

## واکاوی دوگانگی کارکرد انتقال چمدانی کالا توسط زنان از قشمر به تهران

### در مسیر ریلی

دکتر احسان رحمانی خلیلی<sup>۱</sup>، عصمت حسینی<sup>۲</sup>

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۵

چکیده:

تحقیق حاضر سعی نموده تا با روش کیفی تئوری زمینه‌ای، به پرسش "انتقال چمدانی کالا از قشمر به تهران توسط زنان چه پیامدهایی دارد؟ از طریق جمع‌آوری داده‌ها تا به اشباع نظری به وسیله ۵۰ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شده در بین ۳۰ نمونه زن انتقال‌دهنده و ۲۰ نمونه کارشناس مطلع که به روش غیر تصادفی و هدفمند، از نوع گلوله برفی تعیین شده‌اند، پاسخ دهد. داده‌ها بر مبنای نظریه زمینه‌ای استروس و کوربین، تجزیه و تحلیل شده و ۳۱۶ مفهوم اصلی تعیین و بر اساس آن ۲۲۰۲ دلالت مفهومی مشخص گردید، سپس تمامی این مفاهیم در قالب ۷۱ مقوله عمده که از سطح انتزاع بالاتری برخوردارند، فهرست‌بندی گردید. از این میان ۱۱۶۲ دلالت مفهومی، ۱۴۳ مفهوم و ۳۱ مقوله مربوط به محور اقتصادی، ۶۴۰ دلالت مفهومی، ۸۸ مفهوم و ۲۱ مقوله نیز در محور اجتماعی، ۹۱۷ دلالت مفهومی، ۹۶ مفهوم و ۲۶ مقوله نیز زیر مجموعه محور اخلاقی قرار گرفتند. بر این اساس، مقوله‌های هسته‌ای محورهای اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی به ترتیب: "رفاه آفرین/چالش برانگیز"، "نوامندساز / فشارآور" و "گسیختگی اخلاقی / سلامت اخلاقی" تعیین گردید. در کدبندی نهایی و مدل زمینه‌ای نهایی "پیامدهای کارکردی و غیر کارکردی یک پیامد ناخواسته" برای مقوله عمده هسته انتخاب شد. بر این اساس، زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان مطلع، با ارزیابی پدیده انتقال چمدانی، آن را به مثابه پیامد ناخواسته‌ای درک می‌کنند که به نوبه خود پیامدهای کارکردی و غیر کارکردی دیگری به همراه دارد.

مفاهیم کلیدی: تجارت چمدانی، آسیب‌های اجتماعی، پیامد اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی

<sup>۱</sup> استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
ehsan5171@gmail.com

<sup>۲</sup> فارغ‌التحصیل دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران  
e.hosseini50@yahoo.com

## مقدمه و بیان مسأله

قاچاق در مقیاس کلان از طریق مکانیسم‌های جزیی‌تری از جمله "چتربازی" صورت می‌پذیرد؛ فعالیت چتربازان بعد از ورود کالا به داخل کشور انجام می‌گیرد (Namakshenas, 2004:76). آنان اقدام به تبدیل کالاهای کلان به شکل خرد و جاسازی آن‌ها نموده (Biabani & Hadianfar, 2007:255)؛ سپس این محموله‌ها را با استفاده از اتوبوس‌های مسافربری و کامیون، از شهرهای مرزی یا مناطق آزاد به استان‌های مرکزی انتقال می‌دهند. برخی از اقلام کالاهای قاچاق نیز به دلیل داشتن وزن و حجم کم، به‌عنوان ملزومات سفر در چمدان مسافرتی جاسازی می‌شود (Seyf, 1999:68). این نوع انتقال چمدانی کالا در پوشش کالای همراه مسافر، که زیر مجموعه چتربازی به شمار می‌رود، یکی دیگر از روش‌های قاچاق در مقیاس کوچک می‌باشد که از آن به‌عنوان تجارت چمدانی یاد می‌شود. لازم به توضیح است که تجارت چمدانی در همه دنیا متداول است. این پدیده بیشتر یک موضوع خودجوش و زاییده بحران اقتصادی است.

تجارت چمدانی کالا در کشور، بیشتر در انتقال کالا از مناطق آزاد و مرزی به مناطق مرکزی کاربرد دارد. چرا که مناطق آزاد کشور، کارکرد اصلی خود را از دست داده و به صورت یک پایگاه قاچاق کالا به داخل تبدیل شده‌اند (Kamran, 2002:32). در این میان، بندرعباس در استان هرمزگان به دلیل ساحل طولانی (Karimi & Pourmohammadi, 2001:134)، و وجود دو منطقه آزاد تجاری کیش و قشم بیشتر مستعد این نوع قاچاق کالا است. این پدیده، به‌ویژه در قشم، با برخورداری از معافیت ۸۰ دلاری از طریق صدور سهمیه ماهانه برگ سبز، ملموس‌تر است. به‌طوری که روزانه، تعداد زیادی از زنان اقدام به انتقال چمدانی از قشم به سایر شهرهای مرکزی می‌نمایند. در بین آن‌ها، تعداد زنان انتقال‌دهنده از قشم به تهران به دلیل وجود بازار مصرف بزرگ در این کلان‌شهر، همچنین مسیر ریلی تهران به بندرعباس، قابل توجه است. زنان شاغل در این مسیر اکثراً بی‌سرپرست، مطلقه، یا دارای همسران بیکار یا از کار افتاده هستند و به لحاظ تأمین مخارج زندگی در مضیقه قرار دارند. آنان از روی نیاز، جهت تأمین مخارج خود و خانوادشان به اجبار به انتقال کالا در این مسیر مشغولند. از آنجا که این پدیده پیامدهایی برای خود زنان انتقال‌دهنده و خانواده‌هایشان و سایر اقشار جامعه که به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم با آن درگیر هستند به همراه دارد، یک مسأله قلمداد می‌گردد ولی بررسی کتب و تحقیقات در این زمینه، نشان می‌دهد تا کنون هیچ پژوهش علمی به بررسی این انتقال چمدانی نپرداخته است. چرا که اکثر پژوهش‌های انجام شده در زمینه قاچاق کالا، به این پدیده در سطح کلان توجه نموده و از مکانیسم‌های

خردی که قاچاق از طریق آن‌ها اعمال می‌گردد غافل بوده‌اند. همچنین تمرکز آن‌ها بر مناطق مرزی و مبدأ ورود کالاهای قاچاق، سبب نادیده گرفته شدن چگونگی فرآیند انتقال کالای قاچاق از مرزها به بازار مصرف در شهرهای پرجمعیت و مرکزی شده است. علاوه بر آن، رویکردهای این تحقیقات بیشتر، اثباتی است و با روش کمی و از طریق پیمایش به بررسی علل، پیامدها و آرایه راهکارهای این مسأله پرداخته‌اند. از این‌رو نتایج این تحقیقات، مشابه و تکراری همچنین بسیار انتزاعی و در سطح ساختارهای جامعه هستند. نکته مهم دیگر اینکه، نقش زنان در مسأله قاچاق کالا به جز در یک تحقیق که توسط معصومه معنایی (۱۳۸۳)، تحت عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان به کار واسطه‌گری و قاچاق کالا و پیامدهای اجتماعی - فرهنگی آن" انجام شده که آن نیز در رابطه با فعالیت زنان چتر باز است و نه زنان انتقال‌دهنده چمدانی، مورد توجه قرار نگرفته است. از دیگر موضوعاتی که در رابطه با قاچاق کالا، مورد بی‌توجهی قرار گرفته، پیامدهای مثبت این پدیده است، مرور تحقیقات نشان می‌دهد تمام تحقیقات انجام شده، تنها بر وجهه و پیامدهای منفی قاچاق تمرکز کرده‌اند. در این خصوص، در پیشینه خارجی، (Niger Margaret, 2014) در مقاله‌ای با عنوان "زنان و هنر قاچاق" به بررسی فعالیت زنان قاچاقچی در استان جنوب غربی کامرون می‌پردازد. او در این مقاله استدلال می‌کند که علیرغم وجهه عموماً منفی قاچاق و محدودیت‌ها و مشکلات‌های زیادی که زنان در این راه متحمل می‌شوند، این شیوه غیر معمول و ناصحیح تجارت، اثرات مثبتی بر زندگی زنان کارآفرین دارد. از این‌رو تحقیق حاضر بر آن است تا با رویکرد تفسیری و روش کیفی بر مبنای گراند تئوری به بررسی پیامدهای انتقال چمدانی کالا توسط زنان در مسیر ریلی قشم به تهران بپردازد و به این پرسش‌ها پاسخ گوید: "انتقال چمدانی کالا توسط زنان از قشم به تهران چه پیامدهای کارکردی و غیرکارکردی دارد؟"

### چارچوب مفهومی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیق کیفی است و بر مبنای نظریات سازماندهی نمی‌گردد، با این وجود، با توجه به نقش نظریه در تحقیق کیفی به لحاظ ایجاد حساسیت نظری - مفهومی، اصل غنای اطلاعاتی، الهام‌بخش در فرآیند تفسیر داده‌ها و راهنمای عمومی تحقیق، به تدوین چارچوب مفهومی، اقدام گردید (Mohammadpour, 2011).

نظریه بی‌هنجاری دورکیم (Giddens, 2008) جهت تشریح بحران‌های شدید اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به کار گرفته شد. بر اساس فشار ساختاری (Tavasoli, 2007) و کارکردی مرتون (Ritzer, 2007)، قاچاقچیان نمودی از کجروهای

نوآور (Skidmore, 1993)، در جامعه هستند که کارکرد پدیده قاچاق کالا در داخل کشور اگر چه نسبت به اقتصاد در سطح کلان و رفاه اجتماعی، کژکارکرد (Craib, 1999) دارد، ولی نسبت به وضعیت اقتصادی و رفاهی خانوار قاچاق کننده و همچنین تقویت خود اشتغالی زنان بی سرپرست یا بد سرپرست، کارکرد پنهان و مثبت (Tavasoli, 2007) دارد. به علاوه، نظریه ساختی - کارکردی و خرده نظام زیستی پارسونز (Stones, 2008) جهت ایجاد حساسیت مفهومی برای استخراج مفاهیم در به وجود آمدن مسأله قاچاق و بحران های ناشی از آن، همچنین انتقال پیامدهای آن از سطحی به سطح دیگر استفاده گردید.

تفسیر علل بیرونی قاچاق، مسیر گردش کالای قاچاق در ساختار بین المللی و قاچاق در سطح داخلی کشور به ترتیب از طریق مکتب وابستگی (Pitt & Hartwick, 2010) و نظریات فرانک، والرشتاین (Taylor, 1994) و نظریه نظام جهانی سرمایه داری و عدم تعادل منطقه ای بین مناطق مرزی و مناطق مرکزی نایلز هانسن (Hansen, 1978) امکان پذیر گردید. بر اساس دیدگاه توسعه به مثابه آزادی آمارتیا سن (Sen, 2004)، عدم وجود آزادی فرصت های اقتصادی هم دلیل به وجود آمدن معضل قاچاق است و هم علت گرایش افراد به آن.

### روش تحقیق و گردآوری اطلاعات، نمونه و روش نمونه گیری

تحقیق حاضر، به روش گراند تئوری انجام شده و اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند با ۳۰ نفر از زنان فعال در این انتقال و ۲۰ نفر از کارشناسان مطلع از موضوع که با روش نمونه گیری غیر تصادفی و هدفمند و از نوع گلوله برفی (Taylor, 1994)، گردیدند با رسیدن به اشباع نظری اطلاعات (Flake, 2006 & Muhammadpur, 2011) جمع آوری گردیده است. جهت توصیف و تجزیه تحلیل اطلاعات، نیز از نظریه زمینه ای استروس و کوربین (Strauss & Corbin, 2006) در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است.

در خصوص روایی و پایایی باید اذعان نمود که انجام مراحل نه گانه گراند تئوری، سعی بر آن دارد تا دو موضوع روایی و پایایی را به ثبوت برساند؛ به ویژه در گام های نمونه گیری نظری، اشباع اطلاعات و دستیابی به کفایت. علاوه بر آن، برای تأمین روایی و پایایی پژوهش حاضر، از صحت سنجی، Rigor یا استحکام داده ها و تکنیک مثلث سازی<sup>۱</sup> استفاده شد که

<sup>1</sup> Triangulation

بدین منظور تأکید بر نوشتن یادآورهای متعدد، نمونه‌گیری نظری، دقت در کدگذاری و دسته‌بندی شده است. همچنین تأکید بر مقایسات بین و میان داده‌ها جهت تقویت صحت سطح دقت<sup>۱</sup> و تنوع<sup>۲</sup> شد. برای اینکه قابلیت تعمیم تئوری خلق شده به بستر و زمینه تحت مطالعه مناسب‌تر باشد نمونه‌گیری نظری با حداکثر تنوع نیز انجام شد که تنوع نمونه‌های مطالعه می‌تواند گواه این مسأله باشد (Mohammadpour, 2011).

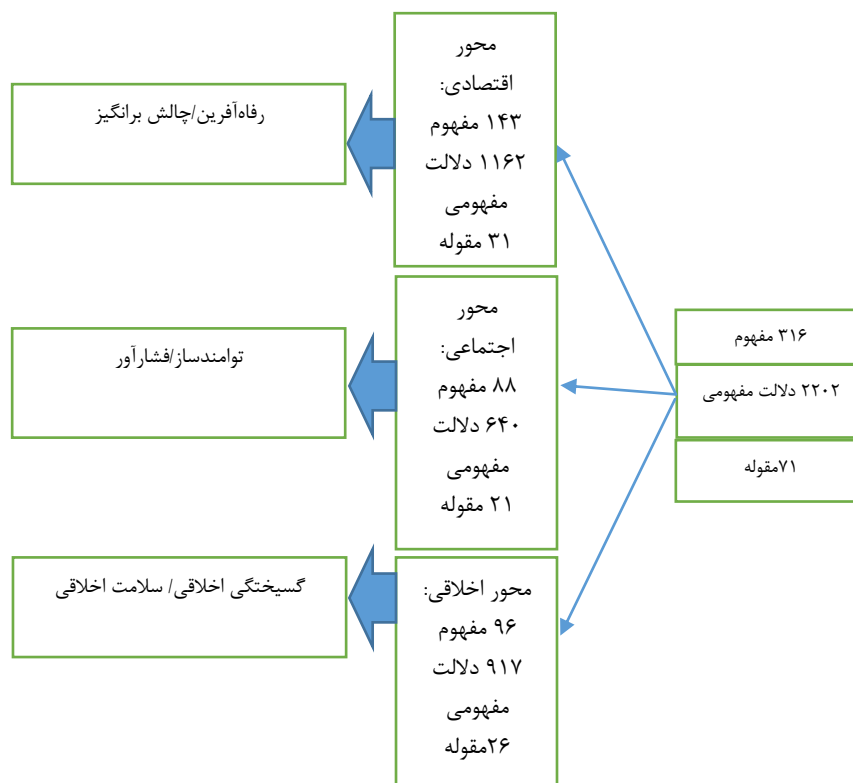
بر اساس روش گراند تئوری مورد استفاده در این پژوهش، در مرحله اول تحلیل داده‌ها، ۲۲۰۲ دلالت مفهومی، ۳۱۶ مفهوم و ۷۱ مقوله عمده، استخراج گردید. بر مبنای تحلیل اولیه، محورهای اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی برای مسأله انتقال چمدانی در نظر گرفته شد. دلالت مفهومی، تعداد ۱۱۶۲، مفهوم، تعداد ۱۴۳، مقوله عمده، تعداد ۳۱، مربوط به محور اقتصادی تشخیص داده شدند. همچنین ۶۴۰ دلالت مفهومی، ۸۸ مفهوم و ۲۱ مقوله نیز در محور اجتماعی طبقه‌بندی شدند. علاوه بر آن ۹۱۷ دلالت مفهومی، ۹۶ مفهوم و ۲۶ مقوله هم زیر مجموعه محور اخلاقی قرار گرفتند.

### یافته‌ها و نتایج

بر اساس تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز و محوری، مقوله‌های هسته‌ای محورهای اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی به ترتیب: "رفاه‌آفرین / چالش‌برانگیز"، "توامندساز / فشارآور" و "گسیختگی اخلاقی / سلامت اخلاقی" به دست آمده است که دارای بالاترین سطح انتزاع هستند. بدین منظور، در انتهای هر محور، مقوله هسته‌ای که پوشش‌دهنده تمامی مباحث هر محور می‌باشد و وجهه تحلیلی به محور می‌دهد، ارائه شد. به علاوه، در ادامه هر محور، مدل زمینه‌ای که نشان‌دهنده چگونگی ارتباط عناصر هر محور است، ارائه و بر مبنای تعامل و ارزیابی کنشگران تفسیر گردید. در مرحله بعد تلاش شد تا داده‌هایی که در کدگذاری باز به مفاهیم و مقوله‌ها تجزیه شده بودند، در کدگذاری انتخابی، به شیوه‌های جدیدی به یکدیگر بپیوندند تا ارتباط میان یک مقوله اصلی و مقولات فرعی‌اش نمایان گردد.

<sup>1</sup> Accuracy

<sup>2</sup> Diversity



### محور اقتصادی

در محور اقتصادی، زنان انتقال دهنده و کارشناسان مطلع از موضوع، پدیده انتقال چمدانی را با دو کارکرد متناقض، "رفاه آفرین / چالش برانگیز"، درک و ارزیابی کرده اند. از نظر آنان، اجبار، ایجاد رفاه، فساد اداری و دولتی و زمینه مساعد انتقال، شرایط لازم برای اقدام به انتقال را فراهم می کنند. از سوی دیگر ضعف و فساد سازمان های نظارتی، تخلف گمرک و راه آهن و فساد اقتصادی گسترده اداری و دولتی، زمینه ساز انتقاد و اتخاذ جایگاه تلافی جویانه نسبت به دولت و اقدام به انتقال چمدانی است؛ همچنین زمینه نامناسب تجارت، بازدارندگی بازار تهران و ویژگی های مثبت بازار قشم، در کنار کنترل غیر مستقیم انتقال چمدانی، آگاهی از قوانین گمرکی و وجود میانبرهای متعدد انتقال کالا از دیگر شرایط بستر ساز انتقال چمدانی در محور اقتصادی محسوب می گردد. با توجه به شرایط زمینه ساز فوق، زنان انتقال دهنده و کارشناسان مطلع، ظهور خودجوش و پیش بینی نشده انتقال چمدانی را متذکر می شوند که علیرغم مزایای فوق العاده، فعالیتی است دشوار و پیامدهای مثبت اقتصادی برای جامعه،

دولت، زنان انتقال‌دهنده و خانواده‌هایشان، همچنین برای ساکنین و کسبه قشم به همراه دارد و در مقابل، پیامدهای منفی همچون کاهش تولید داخلی، کاهش اشتغال، کند کردن روند توسعه را بر جامعه و کشور تحمیل می‌کند.

### مقوله هسته‌ای و مدل زمینه‌ای اقتصادی: رفاه‌آفرین/چالش‌برانگیز

با توجه به مقوله‌های عمده اقتصادی و توضیح‌های ارائه شده ذیل هر کدام، می‌توان گفت که مقوله هسته‌ای "رفاه‌آفرین/چالش‌برانگیز" مفهومی است که توانایی پوشش کلیه مباحث مطرح شده در محور اقتصادی را دارد و همچنین وجهه تحلیلی به آن می‌دهد.

جدول ۱: مقوله هسته‌ای محور اقتصادی انتقال چمدانی

Table 1: Core Category of the Economic Axis of Luggage Transfer

| ردیف | کدگذاری محوری - مقوله                | ردیف | کدگذاری محوری - مقوله        | ردیف | کدگذاری محوری - مقوله                             |
|------|--------------------------------------|------|------------------------------|------|---------------------------------------------------|
| Row  | Axial Coding - Category              | Row  | Axial Coding - Category      | Row  | Axial Coding - Category                           |
| ۱    | نبود فرصت شغلی                       | ۱۲   | ویژگی‌های مثبت بازار قشم     | ۲۳   | هزینه‌های انتقال                                  |
| ۲    | عدم رسیدگی به اقصاء محروم            | ۱۳   | زمینه نامناسب تجارت          | ۲۴   | پیامد مثبت اقتصادی برای زنان انتقال‌دهنده         |
| ۳    | نیاز مالی                            | ۱۴   | زمینه مساعد انتقال کالا      | ۲۵   | پیامد مثبت اقتصادی برای خانواده زنان انتقال‌دهنده |
| ۴    | اجبار                                | ۱۵   | بازدارندگی بازار تهران       | ۲۶   | پیامد مثبت اقتصادی برای ساکنین قشم                |
| ۵    | فرصت شغلی                            | ۱۶   | کنترل غیر مستقیم انتقال کالا | ۲۷   | پیامد مثبت اقتصادی برای بازار و کسبه قشم          |
| ۶    | تأمین نیازهای اولیه زندگی            | ۱۷   | آگاهی از قوانین گمرکی        | ۲۸   | پیامد مثبت اقتصادی برای جامعه                     |
| ۷    | ایجاد رفاه زندگی                     | ۱۸   | میان‌برهای انتقال کالا       | ۲۹   | عدم تأثیر بر اقتصاد                               |
| ۸    | همکاری علنی چتر باز با نیروی انتظامی | ۱۹   | پدیده خودظه‌ور انتقال        | ۳۰   | نفع دولت                                          |
| ۹    | تخلف گمرک                            | ۲۰   | خویش‌فرمایی                  | ۳۱   | پیامد منفی اقتصادی برای جامعه                     |

رفاه‌آفرین/  
چالش‌برانگیز

| ردیف | کدگذاری محوری - مقوله         | ردیف | کدگذاری محوری - مقوله   | ردیف | کدگذاری محوری - مقوله   | ردیف | کدگذاری محوری - مقوله   |
|------|-------------------------------|------|-------------------------|------|-------------------------|------|-------------------------|
| Row  | Axial Coding - Category       | Row  | Axial Coding - Category | Row  | Axial Coding - Category | Row  | Axial Coding - Category |
| ۱۰   | تخلف نیروی انتظامی<br>راه آهن | ۲۱   | هزینه سفر               |      |                         |      |                         |
| ۱۱   | فساد اداری و دولتی            | ۲۲   | سختی انتقال             |      |                         |      |                         |

این مقوله هسته‌ای که استخراج شده از سایر مقوله‌های عمده است، با انتزاع بالاتری محور اقتصادی پیامدهای انتقال چمدانی را توضیح می‌دهد. زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان مطلع از موضوع، پدیده انتقال چمدانی را با دو کارکرد متناقض، ایجاد رفاه و ایجاد چالش درک و ارزیابی کرده‌اند. به این معنا که از نگاه آنان، مسأله مذکور پیامدهای اقتصادی مثبتی بر زندگی زنان انتقال‌دهنده و خانواده‌هایشان، ساکنین و کسبه قشم، همچنین برای جامعه و دولت در پی داشته است و از طرف دیگر نیز پیامدهای اقتصادی منفی بر جامعه تحمیل کرده است. شکل‌گیری پیامدهای اقتصادی انتقال چمدانی به مثابه رفاه‌آفرین و چالش‌برانگیز، متأثر از عوامل و شرایط خاصی بوده است که از تعامل‌های منحصر به فردی حاصل شده است. این فرآیند در سه بخش مجزا به گردش در آمده است که در ذیل به توضیح هر یک پرداخته می‌شود.

در بخش اول، اجبار، ایجاد رفاه، فساد اداری و دولتی و زمینه مساعد انتقال، شرایط لازم برای اقدام به انتقال را فراهم می‌کنند. با این توضیح که نبود فرصت شغلی و عدم رسیدگی به اقشار محروم سبب گسترش نیاز مالی می‌شود؛ همچنین نیاز مالی به نوعی اجبار ختم می‌گردد که در مواجهه با شرایط سخت اقتصادی، زنان را در پی داشتن درآمد جهت گذران زندگی، به انتقال چمدانی مجبور می‌کنند.

زنانی که از نظر اقتصادی در مضیقه هستند، قادرند با این فرصت شغلی که برای خود ایجاد کرده‌اند، کسب درآمد کنند. هدف این زنان در ابتدای اشتغال به انتقال، تنها تأمین نیازهای اساسی زندگی است ولی با گذشت زمان و کسب درآمد نسبتاً خوب، سطح بالاتری از رفاه برای خود فراهم می‌کنند.

ضعف و فساد سازمان‌های نظارتی، تخلف گمرک و راه‌آهن و فساد اقتصادی گسترده اداری و دولتی، از دیگر زمینه‌های فراهم‌کننده گرایش به انتقال چمدانی است. زنان انتقال‌دهنده به کرات از جامعه و دولت به خاطر فساد گسترده و تبعیض انتقاد کرده‌اند.

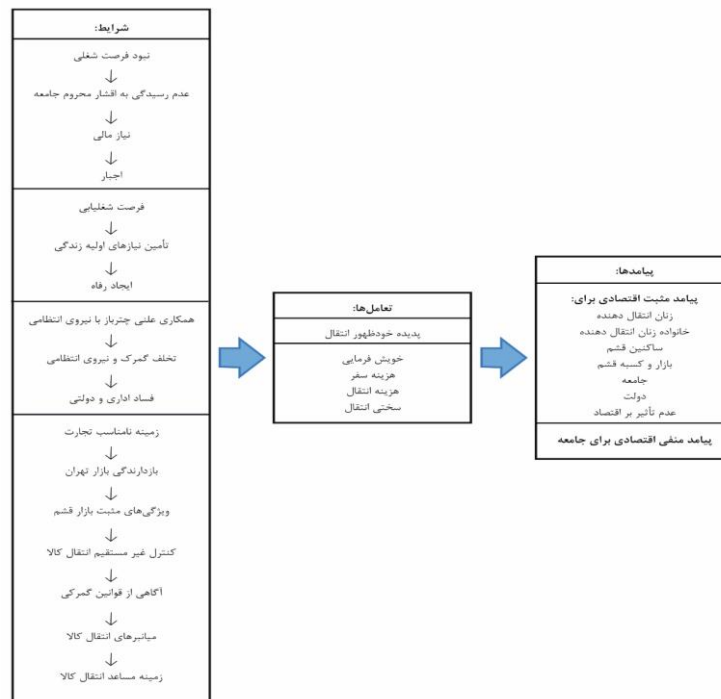
همچنین نسبت به عواقبی که کارشان برای جامعه و دولت در پی دارد، اظهار بی‌توجهی کرده و جایگاه تلافی جویانه‌ای نسبت به دولت اتخاذ کرده‌اند. زمینه نامناسب تجارت، بازدارندگی بازار تهران و ویژگی‌های مثبت بازار قشم، در کنار کنترل غیر مستقیم انتقال چمدانی، آگاهی از قوانین گمرکی و وجود میانبرهای متعدد انتقال کالا از دیگر شرایط بستر ساز انتقال چمدانی محسوب می‌گردد.

در بخش دوم فرآیند انتقال کالا، زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان مطلع، ظهور خودجوش انتقال چمدانی را متذکر می‌شوند. آنان معتقدند شرایطی که در بالا توضیح آن آورده شد، زمینه را برای بروز این پدیده خودظهور مهیا می‌کند. از نظر ایشان، انتقال چمدانی از قبل برنامه‌ریزی نشده و به‌عنوان یک مسأله خود به خود به وجود آمده شناخته می‌شود. در واقع شناخت آن‌ها از انتقال چمدانی، به‌عنوان یک پیامد پیش‌بینی نشده است. این پدیده خودظهور و پیش‌بینی نشده، در نگاه زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان مطلع، علاوه بر ایجاد اشتغال و کسب درآمد و سود، دارای مزایای فوق‌العاده دیگری مثل خویش‌فرمایی و اختیارات گسترده نیز می‌باشد. در نگاه این عده، انتقال چمدانی، علیرغم نکات مثبت فوق، فعالیتی است دشوار که به‌طور ضمنی طی مسافت زیاد، حمل بار سنگین، مواجهه با سختگیری ارگان‌های نظارتی، استرس بالا، آسیب‌های جسمی و روحی، تحقیر و بی‌حرمتی را نیز به همراه دارد. علاوه بر موارد فوق، انتقال چمدانی، هزینه‌های بالایی از قبیل مخارج سفر، غذا و اسکان، همچنین عوارض گمرکی و جریمه‌های متعددی دارد.

در بخش سوم فرآیند انتقال چمدانی، زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان آگاه از موضوع، پیامدهای متعدد اقتصادی را برای آن برشمرده‌اند. آنان در این رابطه، پیامدهای مثبت اقتصادی برای خود زنان انتقال‌دهنده و خانواده‌هایشان، همچنین برای ساکنین و کسبه قشم به‌علاوه نفعی که متوجه اقشار مختلف جامعه و دولت می‌شود را ذکر نموده‌اند. علیرغم این پیامدهای مثبت اقتصادی انتقال چمدانی، ایشان به پیامدهای منفی آن، اعم از کاهش تولید داخلی، کاهش اشتغال، کند کردن روند توسعه نیز اشاره کرده‌اند. از نظر آنان، اگر چه انتقال چمدانی این پیامدهای منفی اقتصادی را به همراه دارد، ولی با توجه به اینکه، انتقال چمدانی قاچاق نیست و حجم کلی محدودی را شامل می‌شود که تأثیر چندانی بر اقتصاد ندارد و از طرف دیگر کارکردهای مثبت اقتصادی انتقال چمدانی، بسیار بیشتر از کارکردهای منفی اقتصادی آن می‌باشد، می‌توان از این پیامدهای منفی اقتصادی چشم پوشید.

علاوه بر آن، دولت می‌تواند، از طریق اشتغال به انتقال زنان بی‌سرپرست یا بدسرپرستی که باید تحت پوشش برنامه‌های حمایتی دولت قرار بگیرند و همچنین دریافت عوارض گمرکی

از این زنان، به نفع خود اقدام نماید، همچنین تمامی اقشار مرتبط با این انتقال چمدانی از گردش اقتصادی ایجاد شده منتفع گردند. مصاحبه‌شوندگان در پایان، این راهکار را پیشنهاد داده‌اند که مسئولین دولتی می‌توانند با سامان دادن امور انتقال چمدانی در مناطق مرزی و با رشد میزان تجارت چمدانی در سال‌های آینده فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد نمایند و میزان بیکاری را کاهش دهند. شرایط، تعامل‌ها و پیامدهای مورد بحث انتقال چمدانی حول محور اقتصادی، در قالب مدل زمینه‌ای زیر ترسیم شده است.



مدل ۱ مدل زمینه‌ای محور اقتصادی انتقال چمدانی

**Model 1:** Contextual model of the Economic Axis of Luggage Transfer

### محور اجتماعی

در محور اجتماعی نیز، تحلیل نهایی از پدیده انتقال چمدانی، در مقوله هسته‌ای "توأمندساز/فشارآور" خود را نمایان می‌سازد. بر این اساس، زنانی که از یک‌طرف با مشکلات روحی و خانوادگی ناشی از فقر و بیکاری دست به گریبانند و از طرف دیگر در پی حفظ

زندگی آبرومندانه و ارتقا پایگاه اجتماعی خود هستند، با مد نظر قرار دادن ویژگی‌های مثبت قشم، جذابیت انتقال، ایجاد ویژگی‌های مثبت شخصیتی و بهبود روحیه و با بهره‌گیری از ویژگی‌های جامعه خود از قبیل عدم ترجیح کالای ایرانی، ترجیح کالای خارجی و فلج اجتماعی، بستری آماده جهت انتقال چمدانی در مقابل خود می‌یابند. اگر چه تعامل این زنان در رابطه با این پدیده خودظه‌ور همراه با تحقیر، استرس، سختی و در کل مسأله بودن آن، است اما در ارزیابی نهایی خود، تصمیم به انجام انتقال چمدانی گرفته‌اند و در نهایت پیامدهای مثبت و منفی اجتماعی این پدیده را برای خود و خانواده‌هایشان، همچنین ساکنین قشم و جامعه رقم زده‌اند. به بیان دیگر، این پدیده برای تمامی اقشار درگیر، توانمندساز و فشار آور بوده است. البته به عقیده کارشناسان مربوطه، غلبه با کارکردهای مثبت انتقال است و کارکرد اجتماعی مهم و مثبت آن، کاهش آسیب‌های اجتماعی از طریق ایجاد اشتغال و درآمد بوده است.

### مقوله هسته‌ای و مدل زمینه‌ای اجتماعی: توانمندساز/فشارآور

با توجه به مقوله‌های عمده اجتماعی و توضیح‌های ارائه شده ذیل هر کدام، می‌توان مقوله هسته‌ای "توانمندساز/فشارآور" را برای جمع‌بندی نهایی آن‌ها انتخاب کرد، در واقع این مفهومی است که توانایی پوشش کلیه مباحث مطرح شده و همچنین امکان تحلیل محور اجتماعی انتقال چمدانی را دارا است.

جدول ۲: مقوله هسته‌ای محور اجتماعی انتقال چمدانی

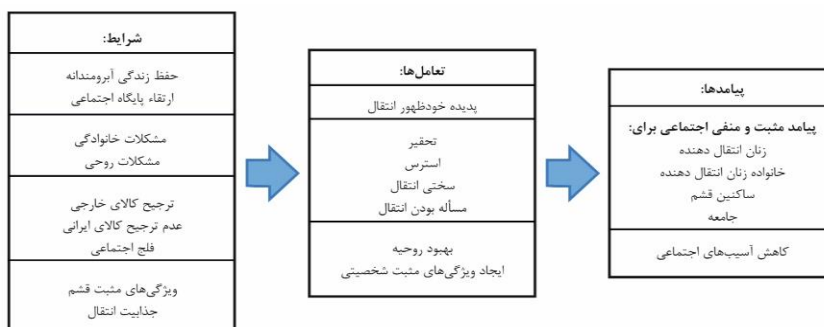
Table 2: Core Category of the Social Axis of Luggage Transfer

| مقوله هسته‌ای          | کدگذاری محوری - مقوله                  | ردیف | کدگذاری محوری - مقوله       | ردیف | کدگذاری محوری - مقوله   | ردیف |
|------------------------|----------------------------------------|------|-----------------------------|------|-------------------------|------|
| Core Category          | Axial Coding - Category                | Row  | Axial Coding - Category     | Row  | Axial Coding - Category | Row  |
| توانمندساز/<br>فشارآور | استرس                                  | ۱۵   | ویژگی‌های مثبت قشم          | ۸    | حفظ زندگی آبرومندانه    | ۱    |
|                        | سختی انتقال                            | ۱۶   | جذابیت انتقال               | ۹    | ارتقا پایگاه            | ۲    |
|                        | پیامد اجتماعی مثبت و منفی برای جامعه   | ۱۷   | بهبود روحیه                 | ۱۰   | عدم ترجیح کالای ایرانی  | ۳    |
|                        | پیامد اجتماعی مثبت و منفی برای خانواده | ۱۸   | ایجاد ویژگی‌های مثبت شخصیتی | ۱۱   | ترجیح کالای خارجی       | ۴    |

| ردیف | کدگذاری محوری - مقوله                            | ردیف | کدگذاری محوری - مقوله   | ردیف | کدگذاری محوری - مقوله   |
|------|--------------------------------------------------|------|-------------------------|------|-------------------------|
| Row  | Axial Coding - Category                          | Row  | Axial Coding - Category | Row  | Axial Coding - Category |
|      | زنان انتقال دهنده                                |      |                         |      |                         |
| ۵    | پیامد اجتماعی مثبت و منفی برای زنان انتقال دهنده | ۱۹   | پدیده خودظهور انتقال    | ۱۲   | فلج اجتماعی             |
| ۶    | پیامد اجتماعی مثبت و منفی برای ساکنین قشم        | ۲۰   | مساله بودن انتقال       | ۱۳   | مشکلات روحی             |
| ۷    | کاهش آسیب‌های اجتماعی                            | ۲۱   | تحقیر                   | ۱۴   | مشکلات خانوادگی         |

این مقوله هسته‌ای که استخراج شده از سایر مقوله‌های عمده است، با بالاترین سطح انتزاع، محور اجتماعی پیامدهای انتقال چمدانی را به تصویر می‌کشد و نشأت گرفته از یک سری شرایط، تعاملات و پیامدهای خاص مربوط به محور اجتماعی انتقال چمدانی است. با این توضیح که انتقال چمدانی، زاییده شرایط اجتماعی، خانوادگی و شخصی و همچنین چشم‌اندازهایی است که این حرفه پیش روی زنان قرار داده است. بر این اساس، زنانی که از یک طرف با مشکلات روحی و خانوادگی ناشی از فقر و بیکاری دست به گریبانند و از طرف دیگر در پی حفظ زندگی آبرومندانه و ارتقا پایگاه اجتماعی خود هستند، با مد نظر قرار دادن ویژگی‌های مثبت قشم و جذابیت انتقال، همچنین با بهره‌گیری از ویژگی‌های جامعه خود از قبیل عدم ترجیح کالای ایرانی، ترجیح کالای خارجی و فلج اجتماعی، بستری آماده جهت انتقال چمدانی در مقابل خود می‌یابند. اگر چه تعامل این زنان در رابطه با این پدیده خودظهور توأمان بودن عدم مقبولیت به دلیل تحقیر، استرس، سختی و در کل مسأله بودن آن و مقبولیت انتقال به علت ایجاد ویژگی‌های مثبت شخصیتی و بهبود روحیه است اما زنان انتقال دهنده در ارزیابی نهایی خود، تصمیم به انجام انتقال چمدانی گرفته‌اند و در نهایت پیامدهای مثبت و منفی اجتماعی این پدیده را برای خود و خانواده‌هایشان، همچنین ساکنین قشم و جامعه رقم زده‌اند. انتقال چمدانی برای هر یک از اقشار فوق، کارکرد مثبت و منفی توأمانی به همراه داشته است. به بیان دیگر، این پدیده برای تمامی اقشار درگیر، توانمندساز و فشارآور بوده است. البته به عقیده کارشناسان مربوطه، غلبه با کارکردهای مثبت انتقال است و کارکرد اجتماعی مهم و مثبت آن، کاهش آسیب‌های اجتماعی از طریق ایجاد اشتغال و درآمد

بوده است. شرایط، تعامل‌ها و پیامدهای مورد بحث انتقال چمدانی حول محور اجتماعی، در قالب مدل زمینه‌ای زیر ترسیم شده است.



مدل ۲: مدل زمینه‌ای محور اجتماعی انتقال چمدانی

*Model 2: Socially-Based Contextual Model of Luggage Transfer*

### محور اخلاقی

مقوله هسته‌ای "گسیختگی اخلاقی / سلامت اخلاقی" نیز نشان‌دهنده ارزیابی نهایی زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان در محور اخلاقی پدیده انتقال چمدانی است. آنان، انتقال را زمینه‌ساز مسایل غیر اخلاقی و استفاده ابزاری از روابط نامشروع توسط برخی زنان ارزیابی نموده‌اند و بیان داشته‌اند، اگر چه وجهه بارز این انتقال، ایجاد مسایل غیر اخلاقی است اما نباید درباره همه زنان شاغل به این حرفه این‌گونه قضاوت نمود و روی دیگر سکه یعنی پیامدهای مثبت اخلاقی انتقال چمدانی که شامل پایبندی به اصول اخلاقی و حفظ زندگی آبرومندانه توسط زنان انتقال‌دهنده است را فراموش کرد. شرایط و بسترهای موجود در انتقال چمدانی که سبب بروز مسایل اخلاقی می‌گردد عبارتند از: مشکلات روحی و خانوادگی، نبود فرصت شغلی، عدم رسیدگی به اقشار محروم، نیاز مالی، اجبار، تأمین نیازهای اولیه زندگی، ایجاد رفاه، هزینه‌های انتقال و سفر، سختی مسیر و خرید و انتقال، عدم پایبندی به اصول اخلاقی، عدم افشا حقایق توسط زنان، عدم امنیت اخلاقی، رونق تن‌فروشی در قشم، تخلف گمرک و راه‌آهن، فساد اداری و دولتی.

### مقوله هسته‌ای و مدل زمینه‌ای اخلاقی: گسیختگی اخلاقی / سلامت اخلاقی

مقوله هسته‌ای فوق برای پوشش تمامی مفاهیم مطرح شده در محور اخلاقی انتقال چمدانی انتخاب شده است. بر اساس این مفهوم، انتقال چمدانی به مثابه ابزار دو لبه عمل می‌کند، از یک طرف می‌تواند بستر ساز گسیختگی اخلاقی باشد برای تمامی اقشار مرتبط با آن و در مقابل می‌تواند راهی باشد برای حفظ سلامت اخلاقی زنانی که حاضر به تن‌فروشی نیستند و راهی جز انتقال چمدانی برای تأمین معاش خود ندارند.

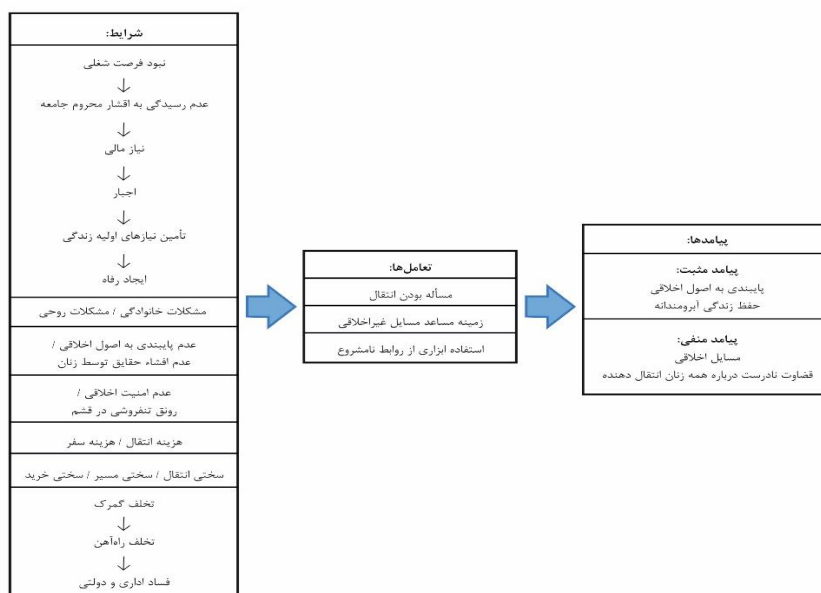
جدول ۳: مقوله هسته‌ای محور اخلاقی انتقال چمدانی

Table 3: Core Category of the Ethical Axis of Luggage Transfer

| ردیف | کدگذاری محوری - مقوله        | ردیف | کدگذاری محوری - مقوله           | ردیف | کدگذاری محوری - مقوله |
|------|------------------------------|------|---------------------------------|------|-----------------------|
| ۱    | مشکلات خانوادگی              | ۱۰   | رونق تن‌فروشی در قشم            | ۱۹   | هزینه‌های انتقال      |
| ۲    | مشکلات روحی                  | ۱۱   | استفاده ابزاری از روابط نامشروع | ۲۰   | سختی انتقال           |
| ۳    | نبود فرصت شغلی               | ۱۲   | مسایل غیر اخلاقی                | ۲۱   | سختی مسیر             |
| ۴    | عدم رسیدگی به اقشار محروم    | ۱۳   | قضاوت نادرست در مورد همه زنان   | ۲۲   | سختی خرید             |
| ۵    | نیاز مالی                    | ۱۴   | پایبندی به اصول اخلاقی          | ۲۳   | حفظ زندگی آبرومندانه  |
| ۶    | اجبار                        | ۱۵   | عدم افشا حقایق توسط زنان        | ۲۴   | تخلف گمرک             |
| ۷    | زمینه مساعد مسایل غیر اخلاقی | ۱۶   | تأمین نیازهای اولیه زندگی       | ۲۵   | فساد اداری و دولتی    |
| ۸    | عدم پایبندی به اصول اخلاقی   | ۱۷   | ایجاد رفاه زندگی                | ۲۶   | مسأله بودن انتقال     |
| ۹    | عدم امنیت اخلاقی             | ۱۸   | هزینه سفر                       |      |                       |

این مقوله نشان می‌دهد، بعد اخلاقی انتقال چمدانی نیز همانند سایر ابعاد آن، متأثر از یک سری شرایط و بسترها است و بالتبع پیامدهایی نیز دارد. شرایط و بسترهای موجود در انتقال چمدانی که سبب بروز مسایل اخلاقی می‌گردد عبارتند از: مشکلات روحی و خانوادگی، نبود فرصت شغلی، عدم رسیدگی به اقشار محروم، نیاز مالی، اجبار، تأمین نیازهای اولیه

زندگی، ایجاد رفاه، هزینه‌های انتقال و سفر، سختی مسیر و خرید و انتقال، عدم پایداری به اصول اخلاقی، عدم افشا حقایق توسط زنان، عدم امنیت اخلاقی، رونق تن‌فروشی در قشم، تخلف گمرک و راه‌آهن، فساد اداری و دولتی. در ادامه، درک نقش هر یک از عوامل فوق در نگاه زنان انتقال‌دهنده مورد بررسی قرار گرفت. آنان در تعامل خود، پدیده انتقال چمدانی را به‌عنوان مسأله قلمداد کرده و این پدیده را زمینه‌ساز مسایل غیر اخلاقی ارزیابی نموده‌اند. همچنین شواهد حاکی از استفاده ابزاری از روابط نامشروع توسط برخی زنان در انتقال چمدانی است. در انتها، زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان مطلع، گسیختگی اخلاقی جامعه را از پیامدهای انتقال چمدانی تفسیر نموده‌اند. آن‌ها معتقدند اگر چه وجهه بارز این انتقال، ایجاد مسایل غیر اخلاقی است اما نباید درباره همه زنان شاغل به این حرفه این‌گونه قضاوت نمود و روی دیگر سکه یعنی پیامدهای مثبت اخلاقی انتقال چمدانی که شامل پایداری به اصول اخلاقی و حفظ زندگی آبرومندانه توسط زنان انتقال‌دهنده است را فراموش کرد. شرایط، تعامل‌ها و پیامدهای اخلاقی انتقال چمدانی، در قالب مدل زمینه‌ای تنظیم و در زیر ارایه گردیده است.



مدل ۳: مدل زمینه‌ای محور اخلاقی انتقال چمدانی

**Model 3: Contextual Model of Ethical Baggage Transfer**

## نتیجه‌گیری

## کدبندی نهایی - مدل زمینه‌ای نهایی

خلاصه یافته‌های محورهای اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی، در جدول زیر ارائه گردیده است.

جدول ۴: مفاهیم، مقولات و مقولات هسته استخراج شده به تفکیک محورهای اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی

**Table 4: Concepts, Categories, and Extracted Core Categories, Broken Down into Economic, Social, and Ethical Axes**

| ردیف | محور    | مفاهیم   | مقوله‌ها   | مقوله‌های هسته‌ای           |
|------|---------|----------|------------|-----------------------------|
| Row  | Axis    | Concepts | Categories | Core Categories             |
| ۱    | اقتصادی | ۱۱۶۲     | ۳۱         | رفاه‌آفرین/چالش‌برانگیز     |
| ۲    | اجتماعی | ۶۴۰      | ۲۱         | توانمندساز/افشارآور         |
| ۳    | اخلاقی  | ۹۱۷      | ۲۶         | گسیختگی اخلاقی/سلامت اخلاقی |

از آنجا که انجام نتیجه‌گیری نهایی در رابطه با پیامدهای انتقال چمدانی کالا، نیاز به تلفیق مجدد یافته‌ها و ارائه یک مدل همگرا دارد که تمام ابعاد و محورهای این پدیده را در یک نگاه خلاصه نماید. لذا مقوله‌های عمده به‌دست آمده به تفکیک محورها، مجدداً ترکیب شده و از نو حول موضوع اصلی جای می‌گیرند. جهت دستیابی به این مهم، کلیه مقولات برای ایجاد مقوله‌های عمده جدید، مجدداً کدبندی شدند و ۱۹ مقوله عمده تعیین گردید. علاوه بر آن مقولات جدید به‌دست آمده بر حسب علی، شرایطی اعم از مدخله‌گر و زمینه‌ای، پدیده شامل مقبولیت و عدم مقبولیت، پیامدی و راهبردی، طبقه‌بندی گردیدند. در نهایت با بررسی همه مقولات نهایی به‌دست آمده، مقوله نهایی هسته با عنوان "پیامدهای کارکردی و غیر کارکردی یک پیامد ناخواسته" برای پوشش کامل تمامی ابعاد موضوع تحقیق انتخاب شد. این مقوله نهایی هسته، از بالاترین سطح انتزاع برخوردار است و به مدل زمینه نهایی می‌انجامد. با توجه به توضیحات فوق، در جدول زیر، مقولات عمده مجدد کدبندی شده، ۱۹ مقوله نهایی جدید، نوع مقوله و مقوله نهایی هسته آورده شده است:

**جدول ۵:** مفاهیم، مقولات عمده مجدد کدبندی شده، ۱۹ مقوله نهایی جدید، نوع مقوله و مقوله نهایی هسته

**Table 5: Concepts, Recoded Major Categories, 19 New Final Categories, Category Type, and Final Core Category**

| ردیف | مقولات عمده مجدد کدبندی شده                                                                                                                                                        | مقوله نهایی           | نوع مقوله            | مقوله نهایی هسته                                |
|------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------|----------------------|-------------------------------------------------|
| Row  | Recoded Major Categories                                                                                                                                                           | Final Category        | Category Type        | Final Core Category                             |
| ۱    | سختی خرید ۱۰، اهمیت زمان ۱۱، هزینه‌های انتقال ۲۱، ریسک بالا ۲۶، استرس، ۳۴، فشردگی کارها، ۱، خطرات ۴۱، سختی فروش ۵۵، تحقیر ۶۱، سختی انتقال ۶۲، سختی مسیر ۶۳، هزینه سفر ۶۹، خستگی ۷۰ | مشکلات انتقال         | تعاملی (عدم مقبولیت) | پیامدهای کارکردی و غیرکارکردی یک پیامد ناخواسته |
| ۲    | فرصت شغلیابی ۳۱، تأمین نیازهای اولیه زندگی ۵۹، ایجاد رفاه زندگی ۶۰، حفظ زندگی آبرومندانه ۳۵، ارتقا پایگاه ۳۸                                                                       | فرصت شغلیابی          | علی                  |                                                 |
| ۳    | نیاز مالی ۶۷، اجبار ۶۸، عدم رسیدگی به افشار محروم ۴۸، نبود فرصت شغلی ۶۶                                                                                                            | نیاز مالی             | علی                  |                                                 |
| ۴    | مشکلات خانوادگی ۳۷، مشکلات روحی ۳                                                                                                                                                  | مشکلات شخصی           | مداخله‌گر            |                                                 |
| ۵    | فساد اداری و دولتی ۶۴، همکاری علنی چتر باز با نیروی انتظامی ۶۵، تخلف گمرک ۲۰، تخلف نیروی انتظامی راه‌آهن ۴۳                                                                        | فساد اداری            | زمینه‌ای             |                                                 |
| ۶    | ویژگی‌های مثبت قشم ۲۹، ویژگی‌های مثبت بازار قشم ۲۳                                                                                                                                 | مشوق‌های قشم          | مداخله‌گر            |                                                 |
| ۷    | ترجیح کالای خارجی ۲۴، عدم ترجیح کالای ایرانی ۲۵، فلج اجتماعی ۴۶                                                                                                                    | جو نامناسب اجتماعی    | زمینه‌ای             |                                                 |
| ۸    | بازدارندگی بازار تهران ۲۲، زمینه نامناسب تجارت ۱۳                                                                                                                                  | جو بازدارنده اقتصادی  | مداخله‌گر            |                                                 |
| ۹    | مسأله بودن انتقال ۱۲، پدیده خودظهور انتقال ۴۵                                                                                                                                      | پدیده خود ظهور انتقال | پدیده                |                                                 |

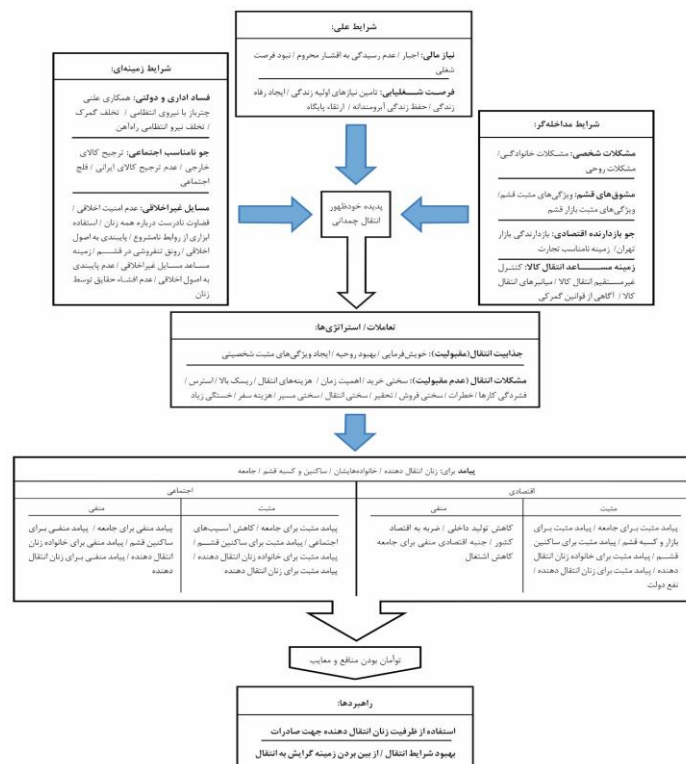
| ردیف | مقولات عمده مجدد کدبندی شده                                                                                                                                                                                                                                     | مقوله نهایی             | نوع مقوله        | مقوله نهایی هسته    |
|------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------|------------------|---------------------|
| Row  | Recoded Major Categories                                                                                                                                                                                                                                        | Final Category          | Category Type    | Final Core Category |
| ۱۰   | جذابیت انتقال ۲۷، خویش فرمایی ۳۲، بهبود روحیه ۲۸، ایجاد ویژگی‌های مثبت شخصیتی ۵۴                                                                                                                                                                                | جذابیت انتقال           | تعاملی (مقبولیت) |                     |
| ۱۱   | آگاهی از قوانین گمرکی ۳۰، میانبرهای انتقال کالا ۴۲، کنترل غیر مستقیم انتقال کالا ۱۹، زمینه مساعد انتقال کالا ۱۴                                                                                                                                                 | زمینه مساعد انتقال کالا | مداخله‌گر        |                     |
| ۱۲   | عدم امنیت اخلاقی ۵۱، قضاوت نادرست در مورد همه زنان ۵۲، مسایل غیر اخلاقی ۳۹، استفاده ابزاری از روابط نامشروع ۵۰، پایبندی به اصول اخلاقی ۴۴، رونق تن‌فروشی در قشم ۵۳، زمینه مساعد مسایل غیر اخلاقی ۴۰، عدم پایبندی به اصول اخلاقی ۴۹، عدم افشا حقایق توسط زنان ۳۳ | مسایل غیر اخلاقی        | زمینه‌ای         |                     |
| ۱۳   | پیامد مثبت اقتصادی برای جامعه ۸، پیامد مثبت اقتصادی برای بازار و کسبه قشم ۷، پیامد مثبت اقتصادی برای ساکنین قشم ۶، پیامد مثبت اقتصادی برای خانواده زنان انتقال‌دهنده ۵، پیامد مثبت اقتصادی برای زنان انتقال‌دهنده ۴، نفع دولت ۴۷                                | پیامد مثبت اقتصادی      | پیامدی           |                     |
| ۱۴   | پیامد منفی اقتصادی برای جامعه ۹                                                                                                                                                                                                                                 | پیامد منفی اقتصادی      | پیامدی           |                     |
| ۱۵   | پیامد مثبت اجتماعی برای جامعه ۱۵؛ پیامد مثبت اجتماعی برای خانواده زنان انتقال‌دهنده ۱۶، پیامد مثبت اجتماعی برای زنان انتقال‌دهنده ۱۷، پیامد مثبت اجتماعی برای ساکنین قشم ۱۸، کاهش آسیب‌های اجتماعی ۲                                                            | پیامد مثبت اجتماعی      | پیامدی           |                     |
| ۱۶   | پیامد منفی اجتماعی برای جامعه ۱۵، پیامد منفی اجتماعی برای خانواده زنان انتقال‌دهنده ۱۶، پیامد منفی اجتماعی برای زنان انتقال‌دهنده ۱۷، پیامد منفی اجتماعی برای ساکنین قشم ۱۸                                                                                     | پیامد منفی اجتماعی      | پیامدی           |                     |

| ردیف | مقولات عمده مجدد کدبندی شده                                              | مقوله نهایی               | نوع مقوله     | مقوله نهایی هسته    |
|------|--------------------------------------------------------------------------|---------------------------|---------------|---------------------|
| Row  | Recoded Major Categories                                                 | Final Category            | Category Type | Final Core Category |
| ۱۷   | توأمان بودن منافع و معایب ۵۸                                             | توأمان بودن منافع و معایب | پیامدی        |                     |
| ۱۸   | استفاده از ظرفیت زنان انتقال دهنده جهت صادرات ۳۶، عدم تأثیر بر اقتصاد ۷۱ | استفاده از ظرفیت زنان     | راهدردی       |                     |
| ۱۹   | بهبود شرایط انتقال ۵۶، از بین بردن زمینه‌های گرایش به انتقال ۵۷          | بهبود شرایط انتقال        | راهدردی       |                     |

در خصوص انتخاب عنوان "پیامدهای کارکردی و غیرکارکردی یک پیامد ناخواسته" برای مقوله عمده هسته، باید گفت این مقوله پاسخ نهایی به سؤال اصلی پژوهش یعنی پیامدهای انتقال چمدانی است. پاسخی که به انتزاعی‌ترین صورت ممکن می‌توان از برداشت‌های زنان انتقال دهنده و کارشناسان در رابطه با موضوع داشت. بر این اساس، زنان انتقال دهنده و کارشناسان مطلع، با ارزیابی پدیده انتقال چمدانی، آن را به مثابه پیامد ناخواسته‌ای درک می‌کنند که به نوبه خود پیامدهای کارکردی و غیر کارکردی دیگری به همراه دارد. آنان به خوبی به ابعاد، علل، زمینه‌ها و شرایط این پدیده واقفند و پیامدهای آن را به وضوح تفسیر کرده‌اند. این همان تفسیری است که تفسیرگرایی اجتماعی بر آن تأکید دارد. آنان، انتقال چمدانی را یک مسأله پیش‌بینی نشده می‌بینند که در پی بحران اقتصادی، بیکاری و فقر ظهور کرده است و از یک طرف آنان را قادر ساخته تا بر مشکلات اقتصادی خود فایق آیند و نتایج مثبت اقتصادی آن سایر اقشار مرتبط را نیز شامل می‌شود و در طرف مقابل پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی را هم به دنبال دارد. از این‌رو، انتقال چمدانی، با توجه به جنبه‌های مثبت آن، نزد زنان انتقال دهنده و کارشناسان، مقبولیت یافته و با در نظر گرفتن جنبه‌های منفی آن، نزد ایشان مورد عدم مقبولیت واقع شده است. این دو روی کاملاً متناقض سکه انتقال چمدانی، کنشگران را به چالش کشیده و آنان را با ابهامی عمیق روبرو ساخته است. اما ایشان در نهایت با یک ارزیابی کلی، به دلیل عدم وجود جایگزین

مناسب و امکان کنترل و بهبود شرایط برای انتقال چمدانی، تعامل و رویکرد مثبتی نسبت به آن نشان داده‌اند.

تمامی فرآیند مذکور در قالب مدل زمینه‌ای که در زیر آورده شده است، به صورت منطقی و استدلالی نمایش داده شود. این مدل که با تکیه بر درک و تفسیر زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان از پدیده انتقال چمدانی طراحی شده است، نشان می‌دهد از دید کنشگران، چرا انتقال چمدانی به وجود آمده است؟ شرایط تأثیرگذار بر آن چه بوده است؟ دلایل و زمینه‌های مقبولیت و عدم مقبولیت آن چیست؟ چه پیامدهای مثبت و منفی به همراه دارد؟ راهکار بهبود شرایط چه می‌تواند باشد؟ بازسازی تمامی مراحل بر گرفته از تجربه کنشگران بوده و مبتنی بر آن چیزی است که آنان بیان یا عمل کرده‌اند.



مدل ۴: مدل زمینه‌ای نهایی انتقال چمدانی

#### Model 4: Final Contextual Model of Luggage Transfer

بر اساس مدل فوق، می‌توان گفت که پیدایش پدیده انتقال چمدانی تحت تأثیر یک سری شرایط خاص بوده است. این شرایط در سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند که عبارتند از: شرایط علی، شرایط زمینه و شرایط مداخله‌گر. شرایط علی شامل نیاز مالی و فرصت شغلی است. شرایط مداخله‌گر نیز موارد مشکلات شخصی، مشوق‌های قشم، جو بازدارنده اقتصادی و زمینه مساعد انتقال کالا را در بر می‌گیرد. به‌علاوه فساد اداری، جو نامناسب اجتماعی و مسایل غیر اخلاقی در شرایط زمینه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند. شرایط مذکور، در امتداد با یکدیگر، سبب ایجاد پدیده انتقال چمدانی شده‌اند. با ایجاد این پدیده، کنشگران، ارزیابی مثبت و منفی از آن داشته‌اند. آن‌ها تعامل خود را با ویژگی‌های مثبت، از طریق مقبولیت و ویژگی‌های منفی را به وسیله عدم مقبولیت نشان داده‌اند. مشکلات انتقال چمدانی و جذابیت آن ذیل این تعامل دسته‌بندی می‌شوند. فرآیند مذکور، پیامدهایی را برای زنان انتقال‌دهنده و خانواده‌هایشان، ساکنین و کسبه قشم و همچنین جامعه در پی دارد. این پیامدها همچنان که در مدل فوق نمایان است، شامل پیامدهای مثبت و منفی اقتصادی و اجتماعی است. همان‌طور که در جدول مربوط به مقولات محوری آورده شد، پیامد مثبت اقتصادی برای زنان انتقال‌دهنده شامل: تأمین مخارج خود، کاهش مشکلات اقتصادی و استقلال مالی است. همچنین پیامدهای مثبت اقتصادی برای خانواده این زنان عبارت است از: تأمین مخارج پوشاک خانواده، تأمین مخارج تحصیل فرزندان، به سامان رساندن فرزندان و حمایت مالی از فرزندان. به‌علاوه رونق اقتصادی و گردشگری قشم، درآمد ساکنین قشم از تهیه و فروش غذای خانگی و اجاره اتاق، از پیامدهای مثبت اقتصادی برای ساکنین و بازار قشم محسوب می‌شود. به صرفه بودن اجناس برای اقشار کم درآمد جامعه، ارایه پوشاک با قیمت و کیفیت مناسب، فروش اقساطی، امکان خرید آسان برای مردم و رونق مشاغل مرتبط نیز از پیامدهای مثبت اقتصادی این انتقال برای سایر اقشار جامعه به حساب می‌آید. از جنبه اقتصادی منفی انتقال چمدانی برای جامعه نیز می‌توان موارد ضربه به اقتصاد کشور، کاهش تولید داخلی و کاهش اشتغال را برشمرد. جنبه اجتماعی مثبت انتقال چمدانی برای زنان، ایجاد شبکه‌های دوستی، برای خانواده‌هایشان، حفظ عزت نفس فرزندان می‌باشد. در مقابل، آسیب خانواده، آسیب اجتماعی نیز از پیامدهای منفی اجتماعی است که انتقال چمدانی برای جامعه ایجاد می‌کند.

بر اساس یک جمع‌بندی کلی، توأمان بودن منافع و معایب، ویژگی بارز پیامدهای پدیده انتقال چمدانی است. زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان که این دستاورد متقابل و متناقض انتقال چمدانی را تأیید کرده‌اند، بر این باورند با در نظر گرفتن عدم توجه ارگان‌های مربوطه جهت تعیین جایگزین مناسب برای انتقال چمدانی، با ممانعت از این انتقال، امکان بروز آسیب‌های

شدیدتر اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی وجود دارد. از این رو، ارزیابی کلی آنان، انتخاب بین بد و بدتر است؛ لذا باید با کنترل پیامدهای منفی انتقال چمدانی، از کارکردهای مثبت آن بهره برد. راهکار ارایه شده از طرف ایشان نیز، بهبود شرایط انتقال و استفاده از ظرفیت زنان انتقال‌دهنده جهت صادرات است تا علاوه بر تأمین منافع انتقال‌دهندگان، با جلوگیری از ورود کالای وارداتی، صادرات رونق گیرد و از این طریق منافع عمومی و اقتصادی آحاد جامعه و کشور نیز حفظ شود.

### برآیند نظری

بر اساس آنچه تا کنون در رابطه با بررسی و تحلیل پدیده انتقال چمدانی گفته شد، نیاز مالی، فقر و مشکلات اقتصادی از یک طرف، نبود فرصت شغلی و عدم رسیدگی به اقشار محروم از طرف دیگر، علت گرایش زنان به انتقال چمدانی بوده است. این زنان از طریق انتقال چمدانی، مخارج زندگی خود و خانواده شان را تأمین می‌کنند و از پیامدهای مثبت اقتصادی آن بهره‌مند می‌شوند.

علاوه بر آن، تعرفه‌های بالای ورود کالا و محدودیت خروج کالا از مناطق آزاد، در کنار آگاهی از قوانین گمرکی و انتقال کالا، استفاده از میانبرهای انتقال کالا، تکنیک فرار مالیاتی و سهمیه ماهانه برگ سبز، زمینه لازم برای این زنان را در انتقال از طریق کالای همراه مسافر با رعایت قوانین گمرکی فراهم ساخته است. موارد فوق به ضمیمه کسب درآمد گمرکی دولت، سختگیری گمرک و راه‌آهن، فساد و تخلف اداری و دولتی نیز در ایجاد و ادامه انتقال چمدانی، نقش بسزایی داشته است.

توضیحات فوق به خوبی در لابلای مفاهیم نظری مکتب اقتصاد کلاسیک نمایان است. از جمله این مفاهیم، انسان اقتصادی که بر مبنای اصول عقلانی اقتصادی رفتار می‌کند؛ "دست نامرئی" آدام اسمیت که بازارها را به سوی تعادل طبیعی حرکت می‌دهد و همچنین تعیین نقش حداقلی برای دولت هستند. اسمیت در کتاب "ثروت ملل"، هنگام فرمولی کردن اصول مالیاتی، دولت را از برقراری سیاست مالیاتی شدید بر حذر داشته و سیستم متعادل مالیاتی را سفارش می‌کند. او معتقد است که مالیات بدون مذاقه باعث ترغیب به سوی قاچاق و فرار از پرداخت تعرفه می‌گردد. وی همچنین خطر سوء استفاده مقامات دولتی برای رانت‌جویی را

متذکر می‌شدند. علاوه بر آن حمایت دایمی از تولیدات داخلی با استفاده از ابزار تعرفه، را مسبب عدم تلاش تولیدکنندگان داخلی برای تولید با کیفیت‌تر می‌داند (Smith, 1978). از دیگر شرایط تأثیرگذار بر شکل‌گیری پدیده انتقال چمدانی، کیفیت پایین و قیمت بالای اجناس ایرانی و بالتبع عدم ترجیح جنس ایرانی است، این امر در کنار جو بازدارنده اقتصادی داخلی، زمینه نامناسب تجارت و بازدارندگی بازار تهران سبب ایجاد بی‌ رغبتی نسبت به تولیدات و بازار داخلی شده است. در مقابل کیفیت بالا و قیمت پایین اجناس خارجی، به صرفه بودن اجناس انتقالی برای اقشار کم‌درآمد جامعه، ترجیح کالای خارجی را رقم زده است. این مورد به ضمیمه، مشوق‌های قشم اعم از ویژگی‌های مثبت بازار، گردشگری و جغرافیای این جزیره، همانند اهرمی به نفع انتقال کالای خارجی از قشم به تهران عمل می‌کند. تئوری "مزیت نسبی" ریکاردو به خوبی نحوه عملکرد این اهرم را توضیح می‌دهد، واقعیت این است که این نظریه، یکی از زمینه‌های تشویق به انتقال چمدانی را تبیین می‌کند. با این توضیح که بسیاری از کالاهای خارجی موجود در قشم نسبت به تولیدات داخلی از مزیت نسبی در کیفیت و قیمت برخوردارند، ولی در مقابل ورود قانونی آن‌ها موانع متعدد وجود دارد، لذا انتقال چمدانی این اقلام، سریع‌ترین، کوتاه‌ترین و به صرفه‌ترین راه برای دستیابی به آن‌ها است (Ricardo, 1987).

جو نامناسب اجتماعی نیز از دیگر شرایطی بود که به‌عنوان زمینه ایجاد کننده انتقال چمدانی ذکر گردید. زنان سرپرست خانوار که با بیکاری و نیاز مالی مواجهند، بارها به علت عدم رسیدگی به اقشار محروم و فساد اقتصادی گسترده کشور از جامعه و دولت انتقاد کرده‌اند. آنان که خود را در تأمین نیازهای اولیه زندگی تنها می‌بینند، نسبت به دولت بی‌اعتماد و نسبت به جامعه بدبین می‌شوند. از این‌رو در پی سهم خواهی خود از جامعه، دیگر برای منافع عمومی ارزشی قایل نیستند و تنها به تأمین منافع شخصی از طریق انتقال چمدانی می‌اندیشند.

شرایط فوق به مفهوم "آنومی" در رویکرد بی‌هنجاری اجتماعی دورکیم شباهت دارد. وی معتقد است که همواره در جوامع یک‌سری هنجارهای اخلاقی برای تنظیم و هدایت رفتار کنشگران وجود دارد، اما تحت شرایط خاصی نظیر بحران‌های اقتصادی، این هنجارها جنبه

کنترل و تنظیم‌کنندگی خود را از دست می‌دهند و افراد جامعه منفعت شخصی خود را از منافع عمومی جدا دانسته، این امر زمینه را برای رفتارهای انحرافی آماده می‌کند (Giddens, 2008).

زنان انتقال‌دهنده، فرصت شغلیابی که انتقال چمدانی پیش روی آن‌ها قرار داده را به عنوان مهم‌ترین علت گرایششان به این حرفه ذکر کردند. این زنان بر آن بودند تا با اشتغال به انتقال، علاوه بر تأمین نیازهای اولیه خود و خانواده‌شان، به سطحی از رفاه و زندگی آبرومندانه دست یابند و از این طریق پایگاه اجتماعی خود را ارتقا دهند. از دیدگاه آنان کسب درآمد و محتاج نبودن بسیار مهم تلقی می‌شد. اجباری که زنان برای دستیابی به موارد فوق تجربه می‌کردند، در دیدگاه کارکردگرایی ساختاری رابرت مرتون از آن به‌عنوان "فشار ساختاری" یاد می‌شود. به نظر وی یکی از علل بی‌هنجاری و رفتارهای انحرافی، محدودیت در حصول به هدف‌های پذیرفته شده فرهنگی یا وسایل دسترسی به آن‌ها و یا هر دو می‌باشد (Skidmore, 1993).

بر اساس این نظریه، در سطح سیاست‌گذاری کلان کشور، مواردی همچون فساد اقتصادی گسترده، عدم برنامه‌ریزی برای اشتغال و فقدان عزم جدی جهت ایجاد توسعه پایدار و متوازن، مانع از دستیابی افراد به سطح متعارف زندگی می‌شود. در چنین شرایطی، یکی از راه‌های پیش روی زنان سرپرست خانوار، جهت دستیابی به اهداف تعیین شده فرهنگی و تأمین اقتصادی زندگی، انتقال چمدانی است و بر اساس سنخ‌های سازگاری افراد در نظریه مرتون، این زنان جز طبقه نوآور به حساب می‌آیند که اهداف جامعه را پذیرفته ولی ابزار دستیابی به آن را در اختیار نداشته و از این‌رو به طرق دیگری در پی دستیابی به اهداف فرهنگی جامعه برآمده‌اند.

در مدل زمینه‌ای نشان داده شد که چگونه تعامل عواملی همچون نبود فرصت شغلی، نیاز مالی، مشکلات اقتصادی، عدم ترجیح کالای ایرانی، جو بازدارنده اقتصادی، زمینه مساعد انتقال کالا، مشکلات شخصی، مشوق‌های قشم، فساد اداری، زمینه نامناسب تجارت، جو نامناسب اجتماعی در یک برآیند کلی به ظهور پیامد پیش‌بینی نشده و ناخواسته انتقال چمدانی می‌انجامد. در ادامه همین مدل، پیامدهای مثبت و منفی اقتصادی، اجتماعی و

اخلاقی این پدیده خود ظهور آورده شد؛ این پیامدها عبارتند از: ایجاد اشتغال، کسب درآمد، حفظ زندگی آبرومندانه، کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری، زمینه مساعد مسایل غیر اخلاقی؛ پیامد مثبت اقتصادی برای زنان انتقال‌دهنده و خانواده‌هایشان اعم از تأمین مخارج زندگی و فرزندان، ایجاد رفاه زندگی و ارتقا پایگاه؛ پیامد مثبت اقتصادی برای ساکنین و کسبه قشم اعم از درآمد ساکنین قشم از تهیه و فروش غذای خانگی و اجاره اتاق، رونق اقتصادی و گردشگری قشم؛ پیامد مثبت اقتصادی برای جامعه اعم از رونق مشاغل مرتبط، به صرفه بودن اجناس برای اقشار کم درآمد جامعه، ارایه پوشاک با قیمت و کیفیت؛ پیامد اجتماعی مثبت و منفی برای زنان انتقال‌دهنده اعم از بهبود روحیه، تفریح، رهایی از خانه و مشکلات، ایجاد شبکه‌های دوستی، ایجاد ویژگی‌های مثبت شخصیتی مثل اعتماد به نفس، خودباوری، استقلال و رضایت؛ پیامد اجتماعی مثبت و منفی برای خانواده زنان انتقال‌دهنده اعم از آسیب خانواده، حفظ عزت نفس فرزندان؛ پیامد اجتماعی مثبت و منفی برای ساکنین قشم اعم از تغییر فرهنگ سنتی قشم، سست شدن بنیان خانواده‌ها در قشم؛ پیامد منفی اقتصادی برای جامعه اعم از ضربه به اقتصاد کشور، کاهش تولید داخلی و اشتغال؛ همان‌طور که واضح است توأمان بودن منافع و معایب انتقال چمدانی ویژگی بارز پیامدهای این پدیده است.

توضیحات فوق در رابطه با پیامدهای کارکردی و غیر کارکردی پدیده پیش‌بینی نشده انتقال چمدانی، در ذیل بحث انواع کارکرد آشکار، پنهان، مثبت و منفی مرتون می‌گنجد (Ritzer, 2007; Turner, 1993). در این پژوهش بر خلاف تحقیقات دیگر در زمینه قاچاق که تنها بر پیامدهای سوء قاچاق تأکید داشته‌اند، سعی شده است تا کارکردها و پیامدهای مثبت انتقال چمدانی نیز از نگاه کنشگران مد نظر قرار گیرند. بر اساس تفسیر و ارزیابی آنان، انتقال چمدانی اگر چه نسبت به اقتصاد در سطح کلان و رفاه اجتماعی، کارکرد دارد، ولی نسبت به خود اشتغالی زنان سرپرست خانوار، وضعیت اقتصادی و رفاهی زنان انتقال‌دهنده و خانواده‌هایشان، ساکنین و کسبه قشم همچنین سایر اقشار مرتبط، کارکرد پنهان و مثبت داشته است.

تعامل و بر هم کنش حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی ویژگی بارز مدل زمینه انتقال چمدانی است؛ این مدل چگونگی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عوامل اقتصادی مثل نیاز مالی، بیکاری و جو بازدارنده اقتصادی از یک جهت، عوامل اجتماعی همانند جو نامناسب اجتماعی و فساد اداری از جهت دیگر را در ایجاد مسأله اقتصادی انتقال چمدانی، به وضوح نشان می‌دهد. علاوه بر آن ادامه مدل، نشان‌دهنده پیامدهای اقتصادی - اجتماعی یک پدیده اقتصادی است. از این گذشته، نقش انتقال در ایجاد مسایل غیر اخلاقی که مربوط به سطح فرهنگی می‌شود نیز در این مدل به تصویر کشیده شده است. این بر هم کنشی سطوح اقتصادی و اجتماعی در شکل‌گیری مسأله انتقال چمدانی و انتقال پیامدهای آن از سطحی به سطح دیگر، یادآور نظریه ساختی - کارکردی و خرده نظام‌های پارسونز است (Stones, 2008; Crybe, 2009).

علل و شرایط تأثیرگذار بر انتقال چمدانی ذکر شده در مدل نهایی تحقیق، درونی و از نگاه زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان ارزیابی و بیان شده‌اند، اما تمامی شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای ذکر شده، در یک برهم کنش متقابل می‌تواند متأثر از علل بیرونی و جهانی نیز باشد. از این‌رو، زمانی که درباره تحلیل و نتایج به‌دست آمده یک ارزیابی کلی انجام شود و با یک دید کلی به مدل زمینه‌ای نهایی نگریسته شود، بستر گسترده‌تری به ذهن متبادر می‌شود که شرایط پدید آمدن این مدل را فراهم کرده است. وجود نابرابری و بی‌عدالتی در بین کشورها، روابط استثمارگری نظام سرمایه‌داری، وجود زنجیره کالا و گسترش آن در ورای مرزها و نفوذ رسانه‌ای، تبلیغاتی که فرهنگ جهانی را تحت تأثیر قرار داده است و مواردی از این دست را می‌توان از علل بیرونی قاجاق و در امتداد آن انتقال چمدانی دانست، مسایلی که اگر چه در این پژوهش بدان پرداخته نشده ولی تأثیر آن بر فرآیند انتقال چمدانی کاملاً محسوس است. این رشته علت و معلول‌هایی بیرونی که به وسیله مکتب وابستگی و نظریات فرانک و همچنین نظام جهانی مرکز - پیرامون والشتاین، قابل تبیین است (Frank, 1970; Wallerstein, 1974).

زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان مطلع، به کرات تعامل بیکاری، فقر و عدم رسیدگی به اقشار محروم از یک طرف، همچنین میانبرها و زمینه مساعد انتقال از طرف دیگر را عامل ایجاد انتقال چمدانی ذکر کرده‌اند. آنان اذعان داشته‌اند که مناطق مرزی، به ویژه قشم، بستر

مساعدی برای قانون‌گزینی را فراهم کرده است که انتقال چمدانی تنها یکی از موارد آن است. توضیحات فوق بیانگر برخی پیامدهای توسعه‌نیافتگی است که از آن در دیدگاه سیفاللهی، به‌عنوان توسعه ناموزون و در نظریه هانسن، به‌عنوان مناطق مرکزی - مرزی یاد می‌شود (Seifollahi, 2002; Hansen, 1978).

علل و شرایطی که زنان انتقال‌دهنده و کارشناسان در رابطه با مسأله انتقال چمدانی ذکر کرده‌اند، اعم از نیاز مالی، عدم رسیدگی به اقشار محروم، نبود فرصت شغلی، فساد اداری و دولتی، تخلفات گمرک، جو نامناسب اجتماعی، مشکلات شخصی، کیفیت پایین و قیمت بالای اجناس داخلی، جو بازدارنده اقتصادی، همگی حاکی از نوعی اجبار است. در واقع، روی دیگر این اجبار، ناآزادی مطرح شده از طرف آمارتیا سن می‌باشد. بر اساس این دیدگاه در تحلیل پدیده انتقال چمدانی می‌توان گفت، وجود هر نوع ناآزادی با منافع گروه‌هایی اندک و زیان اکثر مردم همراه است. در چنین شرایطی، عملکرد غیر رقابتی و ناآزاد و از طرف دیگر اعمال نفوذ و قدرت سیاسی، با وجود محدودیت‌های داخلی و خارجی، سبب ایجاد انحصار می‌گردد. انحصارهایی که گرانی قیمت و پایین بودن کیفیت، از پیامدهای آن است. روندی که تنها نتیجه آن تأمین منافع گروه‌های ذی‌نفوذ و فدا کردن منافع اکثریت افراد جامعه است. از طرف دیگر، عدم وجود آزادی فرصت‌های اقتصادی سبب می‌شود افراد جامعه نتوانند به فعالیت‌های اقتصادی مناسب بپردازند و در با وجود زمینه مساعد جهت رفع نیازهای اقتصادی خود اقدام به انتقال چمدانی نمایند (Sen, 2004).

## References:

Corbin, J. & Strauss, A. (1990). "Grounded Theory research: Procedures", canons, and evaluative criteria. *Qualitative Sociology*, 13 (1): 3-20.

Corbin, J., & Strauss, A. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, Second Edition. Sage Publications, Inc.

Flick, U. (2006). *An Introduction to Qualitative Research in the Humanities*, Abdolrasoul Jamshidian and others, Qom: Sama Ghalam.

Flick, Y. (2006). *An Introduction to Qualitative Research in the Humanities*, Abdolrasoul Jamshidian and Others, Qom: Sama Ghalam. (Persian).

Hansen, N. H. (1978). "Border Regions: A Critique of Spatial Theory and an European Case Study; Human Settlement Systems: International Perspectives on Structure Change and Public Policy", Ballinger Publication Co., pp. 246-261 Cambridge, UK.

Karimipour, Y.; Mohammadi, H. (2004). "The Barrier of Smuggling of Goods from Situation to Dream: Field Research in Hormozgan Province", *Geographical Research*, Vol. (73), 211-241, Masoomeh Semanati.

Kraib, I. (1999). *Modern Social Theory from Parsons to Habermas*, Abbas Mokhbar, Tehran: Agah.

Margaret N.-T. (2014). *Women and the Arts of Smuggling*", *African Studies Review*, Vol. 44, No. 2

Mohammadpour, A. (2011). *Qualitative Research Method*, Tehran: Sociologists.

Mohammadpour, A. (2011). *Qualitative Research Methodology*, Tehran: Sociologists. (Persian).

Mohammadpour, A. (2011). *Qualitative Research Methodology*, Tehran: Sociologists (Giddens, 2008).

Pitt, R. & Hartwick, E. (2009). *Development Theories*, Mustafa Azkia and Reza Safari Shali and Esmail Rahmanpour, 2nd edition, Tehran: Loya.

Saifollahi, S. (1998). *Sociology of Social Issues in Iran*, Tehran: Pajoohan Sina.

- Seif, E. M. (2006). Smuggling of goods in Iran, Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (Persian).
- Sen, A. (2004). Development Means Freedom, Mohammad Saeed Noori. Tehran: Nei.
- Sen, A. (2004). Development Means Freedom, Mohammad Saeed Nouri. Tehran: Nei. (Persian).
- Shenas, R. (2004). "Investigation of the Phenomenon of Smuggling of Goods and Fuel in Sistan and Baluchestan Province", Ministry of Economic Affairs and Finance. (Biabani and Hadianfar, 2007: 255). (Persian).
- Skidmore, W. (2003). Theoretical Thinking in Sociology, Ali Mohammad Hazeri and others, Tehran: Safir. (Kraib, 1999).
- Smith, A. (1978). The Wealth of Nations. Translated by Sirous Ebrahim Zadeh, Tehran: Payam. (Persian).
- Stones, R. (2008). Great Thinkers in Sociology, Mehrdad Mirdamadi, 5th edition, Tehran: Markaz.
- Strauss, A. & Corbin, J. (2006). Principles of Qualitative Research Methodology, Buyuk Mohammadi, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. (Persian).
- Tavasli, Gh. A. (2007). Sociological Theories, 13th Edition, Tehran: Samt. (Ritzer, 2007).
- Taylor, P. J. (1994). "Political Geography, England: Longman Scientific & Technical", the Quarterly Journal of Economics, Vol. 92 (3), Pp. 509-514.
- Turner, J. (1993). Constructing Sociological Theory. Translated by Abdol-Ali Lehsaei Zadeh, Shiraz: Navid. (Persian).

## A Study Ofconsequence of Women Who Transport Commodity from Qeshm to Tehran via Railway

Ehsan Rahmani Khalili (Ph.D)<sup>1</sup>, Esmat Hosseini<sup>2</sup>

DOI: 10.22055/QJSD.2024.47642.2975

### Abstract:

The present study attempted to answer the question "What are the consequences of women transporting luggage from Qeshm to Tehran?" using a qualitative grounded theory method. Data were collected to theoretical saturation through 50 semi-structured interviews conducted among 30 female transporters and 20 knowledgeable expert samples, which were determined using a non-random and purposeful snowball method. The data were analyzed based on Strauss and Corbin's grounded theory, and 316 main concepts were determined, and based on that, 2202 conceptual implications were identified. Then, all these concepts were listed in the form of 71 major categories that have a higher level of abstraction. Among these, 1162 conceptual implications, 143 concepts and 31 categories related to the economic axis, 640 conceptual implications, 88 concepts and 21 categories related to the social axis, 917 conceptual implications, 96 concepts and 26 categories were also sub-sets. The ethical axis was established. Accordingly, the core categories of the economic, social, and ethical axes were determined as follows: "welfare-creating/challenging", "empowering/pressure-making", and "moral discontinuity/moral health". In the final coding and the final contextual model, "functional and non-functional consequences of an unintended consequence" was selected as the main core category. Accordingly, women carriers and informed experts, by evaluating the phenomenon of baggage transfer, perceive it as an unintended consequence that in turn brings other functional and non-functional consequences.

**Key Concepts:** *Luggage Trade, Social Harms, Economic, Social and Moral Consequences*

---

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author), ehsan5171@gmail.com

<sup>2</sup> PhD in Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran, e.hosseini50@yahoo.com



© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).